

حقوق ناکافی، دعوت کارگران به فساد است

# ترویج دروغ بزرگ تورم را بودن دستمزد



«فرشاد مومنی» استاد دانشگاه علامه طباطبایی و «حسین راغفر» استاد اقتصاد دانشگاه الزهراء در نشست‌های بررسی مهمترین علل و ریشه‌های تورم و بیان راهکارهایی برای کنترل این پدیده نامطلوب اقتصادی پرداختند. در ابتدای این نشست، مومنی گفت: وقتی که تورم در کشوری بیش از ۵۰ سال تداوم پیدا می‌کند، معنایش این است که ما با یک مساله ساختاری روبه‌رو هستیم و با دست‌کاری‌های اقتصادی، نمی‌شود آن را حل کرد. ابتدا باید یک اراده سیاسی وجود داشته باشد و آن هم در شرایطی که حکومت و ساختار قدرت توزیع، ناعادلانه باشد جزو محالات است. در حیطه اجتماعی هم باید اعتماد زایل شده فرودستان و تولیدکننده‌ها باید برگردد.

از نشانه‌هاست. پدیده وفور بی سابقه طلاق هم از این جهت قابل توجه است. کار به جایی رسیده که شرم می‌کنند آمار طلاق را اعلام کنند. استدلال سوم کینز اینکه حساسیت‌ها راجع به تورم را به اندازه اهمیتش بالا برید. می‌گوید تورم نیروی محرکه همه انواع نابرابری‌هاست و همه عرصه‌های حیات جمعی را دچار عدم تعادل می‌کند. همان قدر که فقرا و محرومین احساس نااطمینانی دارند، ثروتمندان اگر بیشتر احساس ناامنی نداشته باشند کمتر هم ندارند. در شرایطی که نابرابری‌های ناموجه از حدود متعارف فراتر می‌رود کسی امنیت نخواهد داشت؛ نه حکومت‌گرها، نه ثروتمندان و نه گروه‌های فرودست. نکته چهارم اینکه می‌گوید هیچ عرصه‌ای از حیات جمعی مصون از بحران نخواهد بود. مثلا بحران زیست‌محیطی مادست کمی از سایر بحران‌ها ندارد.

## توسعه ایرانی: ترس بی‌جا از افزایش حقوق و دستمزد؛ ناشی از تکرار دروغ

وی ادامه داد: یکی از دروغ‌های بزرگ، ترساندن بخش‌های سالم ساختار قدرت از نقش دستمزد در تورم است. دو دهه است که «تیلور» استاد دانشگاه‌های آمریکا می‌گوید در شرایطی که نابرابری شدید در قدرت و ثروت وجود داشته باشد، با امتناع تورم جاذبه تقاضا روبه‌رو می‌شویم. کسی که نان ندارد بخورد ابتدایی‌ترین نیازها را نمی‌تواند تامین کند، نمی‌تواند نیروی محرکه تقاضا باشد. وقتی توزیع قدرت به طرز غیرعادی بالا باشد تورم خصلت ساختاری پیدا می‌کند. می‌گوید در تورم ساختاری، اکثریت مردم با محدودیت شدید قدرت خرید روبه‌رو هستند و به شرطی افزایش دستمزد می‌تواند منشا تورم باشد که قدرت خرید افراد متناسب با رشد نقدینگی افزایش یابد. اگر این تناسب وجود نداشته باشد به شکل حقیقی اصلا افزایش تقاضایی در اثر رشد دستمزد رخ نمی‌دهد. افزایش دستمزد در ایران، بخش کوچکی از قدرت از دست‌رفته مزدبگیران را جبران می‌کند پس نسبت دادن خطر جاذبه تقاضا در این شرایط از اساس دروغ است.

## دچار بحران تقاضای موثر شده‌ایم

مومنی افزود: اقتصاد ایران با یک بحران بسیار حاد هم روبه‌روست که آن را بیخ و بن مسکوت گذاشته‌اند؛ پدیده بحران تقاضای موثر. توانمندی دولت برای خلق تقاضای به طرز بی‌سابقه‌ای با بحران روبه‌رو شده. گزارش فصلی بهار ۲۰۲۳ صندوق بین‌المللی پول می‌گوید که ایران در تمام دنیا در زمینه نسبت هزینه‌های حاکمیتی به تولید ناخالص داخلی، جزو ساقط‌ترین‌هاست و فقط از پنج کشور بالاتر است. با بحران حاد تقاضای موثر روبه‌رو هستیم و حکومت‌ها اراده موثری و نه توانی نشان می‌دهد که تعهدات حاکمیتی خود در زمینه سلامت و آموزش، تغذیه، مسکن و زیرساخت‌های فیزیکی و عمرانی مورد نیاز را انجام دهد. از آن طرف هم با مسئولیت‌گریزانانه‌تر از کاهش می‌دهد. از آن طرف هم با سقوط وحشتناک تقاضا برای انواع گوشت، لبنیات، میوه، لوازم خانگی و... روبه‌رو هستیم که معنایش وجود بحران حاد تقاضای موثر است. سال ۱۳۹۶ گفتم که واکنش مردم نسبت به سیاست‌های تورم‌زا اشتغال‌زاد و فلاکت‌بار این بوده که با نجات، حیاتی‌ترین نیازهای خودشان را کمتر مصرف کنند. همدار آدم که این نجات‌آبدی نخواهد بود چون زمانی می‌رسد که دیر با زود کار در استخوان مردم می‌رسد و آن وقت دیگر مناسبات متفاوت خواهد شد. سال ۱۳۹۶ با داده‌های رسمی نشان دادم که با بحران حاد فروپاشی طبقه متوسط روبه‌رو هستیم و گستره و عمق فقر به طبع نابرابری‌های ناموجه، ایجاد شکنندگی آور پیدا کرده است. همچنین نقش آفرینی موثر نقدینگی برای شکل‌دهی به تورم جاذبه تقاضا در این است که باید توزیع نقدینگی، عادلانه باشد. گزارش‌های رسمی می‌گوید سهم شبه پول در اقتصاد ایران در دو دهه گذشته بین ۷۵ تا ۸۵ درصد نوسان بوده و نکته کلیدی اینکه نسبت آن شبه پول با آن اندازه هیولایی،

به طور نسبی از بقیه ضعیف‌ها بیشتر است. مافقط از طریق توزیع عادلانه قدرت و ثروت و با اتکا به یک برنامه با کیفیت مشارکت‌محور می‌توانیم از این شرایط خطرناک عبور کنیم.

## اصلی‌ترین محرک تورم ایران، انحصار است

در ادامه حسین راغفر گفت: در ویکی‌دهایی که برای بررسی تورم در اقتصاد مطرح می‌شود، تورم مبتنی بر فشار هزینه یا فشار تقاضا دیده می‌شود. من عامل اصلی را به دلیل فشار هزینه می‌بینم که علت اصلی آن اعمال جهش‌های ارزی است که باعث شده هزینه تولید افزایش یابد و قیمت‌ها بالا رود. تورمی که از این طریق ایجاد می‌شود، بهانه‌ای است که مجدداً افزایش قیمت را انجام شود. بازی‌هایی که با عنوان بازار ارز مطرح می‌شوند، واقعیت بیرونی ندارد. حاکمیت تصمیم می‌گیرد که قیمت ارز را افزایش دهد و میزان افزایش را بر اساس تامین کسری بودجه مشخص می‌کند، بنابراین اصلی‌ترین منتهم تورم، نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی و حکمرانی است.

این استاد دانشگاه گفت: طبق قانون، آذرماه هر سال در جریان تدوین بودجه، قیمت ارز و میزان مخارج و منابع درآمدی تعیین می‌شود. همه درآمدها تخمینی است اما در هزینه‌ها از آنجا که یک عده منتفع دارد، همه پشت آن ایستاده‌اند و فشار می‌آوردند تا آن هزینه‌ها تحقق پیدا کند. وقتی درآمدها تخمینی مالیاتی و ارزی را محقق نمی‌شوند، دولت ساده‌ترین و سریع‌ترین راه را افزایش قیمت ارز می‌بیند. افزایش قیمت ارز هم منشأ اصلی تورم است و باعث افزایش همه هزینه‌های می‌شود و خصوصاً تولید صنعتی از این مسیر متضرر می‌شود. بالغ بر ۷۰ درصد هزینه‌های تولید صنعتی در کشور ارزی است. وقتی قیمت ارز بالا می‌رود، هزینه‌های تولید افزایش می‌یابد و تولیدکننده ناگزیر می‌شود قیمت‌های خود را بالا ببرد و این اصلی‌ترین محرک تورم می‌شود.

وی بایسان اینکه در این شرایط، مصرف‌کننده در ترجیحات خود تغییر ایجاد کرده و برای حفظ ارزش پول، خرید و فروش کالا انجام می‌دهد و حتی اگر نیازی ندارد در صف خودر می‌ایستد، اظهار کرد: محرک اصلی تغییر ترجیحات مردم، حاکمیت است. در تورم، منتفعین قدرتمندی وجود دارند. این منتفعین که در حاکمیت حضور دارند، تعمداروی تغییر ترجیحات مردم کار می‌کنند. رفتارهای مردم به وضعیت و خیم کنونی شتاب می‌دهد و باعث می‌شود در نهایت همه بازنده باشند.

## اصلی‌ترین محرک تورم، انحصارهای حاکمیتی است!

این استاد دانشگاه گفت: در شرایط کنونی اصلی‌ترین محرک تورم ایران، انحصارهای حاکمیتی است. نهادها و بنیادهای مختلف، انحصارهای قدرتمندی هستند که منابع ارزی کشور و تسهیلات بانکی، اول به آنها تخصیص داده می‌شود. به همین دلیل بیش از ۲۰ سال است که با فرار سرمایه در بخش خصوصی مواجه هستیم. بخش خصوصی چون نمی‌تواند این نهاد را چیلن شرایطی رقابت کند یا منابع خود را از کشور خارج کرده یا اینکه خود نیز وارد سیستم سفته‌بازی و سوداگری شده و با همین نهادها و سیستم همکاری می‌کند.



وی ضمن ابراز تأسف نسبت به اینکه تعداد مسکن در کشور بیش از تعداد خانوارهاست ولی سخن از کمبود مسکن می‌رود چون مسکن‌هایی که ساخته شده، برای سفته‌بازی و سوداگری است و برای مصرف نیست، گفت: این انحصارها منابع بسیار بزرگی را بانک‌ها وام گرفته و پس نداده‌اند. هزار هزار میلیارد تومان، یعنی یک تریلیون تومان از سپرده‌های مردم نزد بانک‌ها گم شده و روشن نیست کجاست! آقایان به این نهادها وام می‌دهند و بعد زورش نمی‌رسد پس بگیرند چون سهام اصلی این بانک‌ها، هیات‌مدیره‌ها و مدیرعامل‌ها متعلق به همین نهادهاست و پادستور وام می‌گیرند.

این استاد دانشگاه الزهراء افزود: سال ۹۲، دیون معوقه بانکی ۲۶۰ هزار میلیارد تومان بود در حالی که این رقم وقتی دولت نهم روی کار آمد ۱۲ هزار میلیارد تومان بود. با نرخ بهره ۴ درصد وام گرفتند که با آن کارخانه تولید مواد غذایی بزنند اما پول را در بانک گذاشته و با نرخ ۲۲ درصد سود گرفتند. بی‌عرضه‌ترین هیات‌های این کار کردند و بقیه خودشان پول‌ها را گرفتند. ضمناً بخش بزرگی از اقتصاد کشور که در اختیار این نهادهاست و اقتصاد را کنترل می‌کند و در اختیار دارد، مالیات هم نمی‌دهد. در واقع در حالی که از منافع بهره‌مند می‌شوند، در هزینه‌ها شکر کت نمی‌کنند.

## بحران پاییز ۱۴۰۱، محصول ناتوانی اقتصاد ایران در خلق شغل بود

راغفر ادامه داد: جامعه‌ها دراز کیسه خود می‌خورند و این اقتصاد قادر به زایش ارزش افزوده و ایجاد اشتغال نیست.

بحران پاییز ۱۴۰۱، محصول ناتوانی اقتصاد کشور در خلق شغل بود. پیامد بزرگ آن نیز مساله مهاجرت بی سابقه است که امروز جامعه ما گرفتار آن شده. چنین سیل مهاجرتی که امروز در کشور با آن مواجه هستیم را هیچ وقت، حتی بعد از انقلاب نداشتیم. اینها پیامدهای بسیار مرگ‌باری برای اقتصاد ایران دارد.

به گفته این استاد دانشگاه، اصلی‌ترین عامل تولید در اقتصادهای در دوران فناوری‌های نوظهوری، سرمایه‌ها و نیروی نخبه انسانی است اما ما همه اینها را یکجا صادر می‌کنیم! پیامدهای آن در آینده نزدیک، برای امنیت سیاسی کشور بسیار هولناک و تعیین‌کننده است اما کسی به این موضوع اهمیت نمی‌دهد. امروز نه تنها مهندسی و پزشکان خارج می‌شوند، بلکه نیروی کار یا توانایی متوسط و پایین هم در مهاجرت است. بخش عمده‌ای از نیروهای کارگری مادر حال مهاجرت به عراق و دیگر کشورها برای کار کردن است. این اقتصاددانان، علت بروز این مساله را سیاست‌های تعدیل ساختاری عنوان کرد و گفت: به دلیل تغییر ایدئولوژی، همواره توصیه می‌کردند که دستمزد‌ها باید مهار شود. در حالی که وقتی دستمزد‌ها به تناسب تورم افزایش پیدا نمی‌کند، انگیزه از نیروی کار گرفته می‌شود و بهره‌وری به شدت سقوط و آسیب‌های متعددی ایجاد می‌کند و مهاجرت افزایش می‌یابد. بیش از یکصد سال است که از کشور مهاجرت نیروی انسانی داریم که معمولاً هم افراد متخصص و تحصیل کرده هستند. علت اصلی آن نظام دستمزد است. این نظام هم توسط نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی اداره می‌شود.



## راغفر: وقتی دستمزد‌ها به تناسب تورم افزایش پیدا نمی‌کند، انگیزه از نیروی کار گرفته می‌شود و بهره‌وری به شدت سقوط و آسیب‌های متعددی ایجاد می‌کند و مهاجرت افزایش می‌یابد

راغفر اضافه کرد: با پیش‌بینی مافیای رسانه‌های خاص دائما به دروغ تکرار می‌کنند محرک اصلی تورم نقدینگی است! در حالی که در آلمان، ژاپن و چین، ۲.۵ برابر تولید ناخالص داخلی، نقدینگی خلق می‌شود اما این نقدینگی روی تولید می‌نشیند. متأسفانه در کشور ما ۵۰ درصد مردم، بر اساس سامانه معیشتی ایرانیان که در وزارت کار است، فاقد حساب پس‌انداز هستند. از آن ۵۰ درصدی که حساب دارند، ۵۰ درصد بالغ بر ۸۰ درصد سپرده‌ها را کنترل می‌کنند! این فاجعه‌ای بزرگ است که نشان می‌دهد نابرابری تا چه اندازه وحشتناک است.

این عضو هیات علمی دانشگاه خاطر نشان کرد: راه‌حل این مسائل روشن است اما می‌گویند شماها حق می‌زید و راه‌حل نمی‌دهید! راه‌حل روشن است اما منافع برخی حکم می‌کند اجازه ندهند اصلاحاتی انجام شود. اولین شرط لازم برای انجام اصلاحات و خروج از بحران کنونی، خروج این نهادها از قدرت است. اقتصاد است و اتفاقاً ظرفیت بسیار بزرگی آزاد می‌شود. هزاران شرکت متعلق به این نهادها و بنیادها وجود دارد که تعدادی از آنها اصلا ثبت نشده و مجوزشان حکم شفاهی است که به آنها ابلاغ شده است!

وی تاکید کرد: تأسف‌بار است که در این سال‌ها، دست دولت و حاکمیت با افزایش قیمت‌ها و نرخ‌های مالیاتی در جیب مردم بوده است. این بی‌اخلاقی که به دنبال این تورم ایجاد می‌شود، باعث می‌شود که دست مردم هم در جیب هم برود اما آن ۵۰ درصدی که هیچ ندارند، باید از کجا تامین شوند! آنها خاکی از اول و قربانیانی هستند که توسط تورم فتح شده‌اند. آنها ماهیت و هویت طبقاتی هم ندارند و پدیده جدیدی شکل گرفته تحت عنوان مادون طبقه؛ طبقه گسترده‌ای که کارتن خواب و معتاد هستند. آدم‌هایی که عمل‌زندگی شان در اثر این سیاست‌ها نابود شده است.

این استاد دانشگاه بایان اینکه کارگری می‌شناسد که به دلیل همین سیاست‌ها، بیکار و بعد معتاد شده و زندگی‌اش را از دست داد، خاطر نشان کرد: بیش از ۱۰ سال است اقتصاد، قدرت زایش ارزش افزوده ندارد. منابع را استحصال می‌کنند و می‌فروشند، بقیه هم از طریق دست کردن در جیب مردم با افزایش نرخ ارز تامین می‌شود. تا اینجا کنترل نشود، مباحث حاشیه‌ای، برای فریب و کلاه گذاشتن سر مردم است.

راغفر تصریح کرد: معتقد اصلی‌ترین عاملی که در نتیجه شرایط فعلی، موجب تورم و بحران اقتصادی می‌شود، فرسایش شدید اعتماد عمومی است. مردم به تنها اعتمادشان را به حاکمیت و نظام تصمیم‌گیری از دست داده‌اند، بلکه از این تصمیمات عصبانی هستند و خشم دارند. این می‌تواند محرک ناایستامی‌های جدی‌تری باشد.

این استاد دانشگاه در پایان تاکید کرد: برای توسعه، پنج رمز وجود دارد که اولین آن هم سیاسی است اما این عزم در کشور وجود ندارد! نشانه آن هم همین برنامه هفتم توسعه است که بی حساب و کتاب‌ترین برنامه در ۷۰-۸۰ سال برنامه‌ریزی کشور است و بدون هیچ چشم‌انداز روشن و پر از تناقض‌های مفهومی تنظیم شده است!



## مومنی: رشد دستمزد وقتی می‌تواند منشا تورم باشد که قدرت خرید افراد متناسب با رشد نقدینگی افزایش یابد. اگر این تناسب نباشد، اصلا افزایش تقاضایی در اثر رشد دستمزد رخ نمی‌دهد

شرم می‌کنند آمار طلاق را منتشر کنند

مومنی گفت: کینز می‌گوید دومین نکته اینکه تورم موجب بی‌اعتبار شدن قراردادهای می‌شود. اگر حکومتی نسبت به تورم از کردن سیاست‌های حساس نفع می‌کند، وقتی به قانون راجع می‌دهد خود را مضحکه می‌کند چون قرار دادهای متزلزل شده‌اند. صدور چک‌های بلا محل یکی